

## اجرای تعهدات قراردادی در پرتو تحریم های کشورها و نهادهای ثالث: ارزیابی رویه قضایی فرانسه

سعید باغبان کندری \*

DOI: 10.22034/iruns.2025.349431.1113

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

### چکیده

افزایش تحریم‌ها طی دو دهه اخیر مسائل حقوقی متعددی را در اختلافات قراردادی به ویژه نزد دادگاه‌های ملی ایجاد کرده است. روشن است که دادگاه‌های ملی کشور واضع تحریم، در فرآیند تصمیم‌گیری برای صدور رای، قوانین تحریمی را که از سوی دولت ثالث وضع شده‌اند مورد توجه قرار می‌دهند و در صورت تعارض این قوانین با حقوق و تعهدات طرفین دعوا، حکم نهایی را با رعایت قوانین تحریمی داخلی خود تنظیم می‌کنند. با این وجود، این سوال مطرح است که آیا در فرآیند تصمیم‌گیری برای صدور رای دادگاه می‌تواند برای توصیف، تفسیر و اعمال تعهدات قانونی و قراردادی اصحاب دعوا، قوانین تحریمی با منشأ خارجی را که توسط کشورها یا نهادهای ثالث وضع شده‌اند مورد توجه قرار دهد. در این مقاله تلاش شده تا این سوال حقوقی با تحلیل موردی رویکرد و رویه دادگاه‌های فرانسه بررسی شود. یافته‌های ناشی از بررسی رویه قضایی فرانسه نشانگر این است که دادگاه‌های این کشور، در اختلافات قراردادی که در آن‌ها عنصر تحریم با منشأ خارجی وجود دارد دادگاه‌های فرانسه اعمال قواعد امری

\* دانشجوی دکتری، حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. s.bk@dr.com

مرجع قانون حاکم بر دعوا را نادیده نمی‌گیرند و در رویه قضایی نمونه‌هایی وجود دارد که در آن‌ها دادگاه این قواعد یا همان تحریم‌های وضع شده توسط کشور خارجی را در سطح قانون ماهوی فرانسه مد نظر قرار داده‌اند.

**واژگان کلیدی:** تحریم، فرانسه، رویه قضایی، تعهدات قراردادی.

### مقدمه

طی دو دهه اخیر، اعمال تحریم از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی افزایش یافته است.<sup>۱</sup> همچنین در کنار مباحث سیاسی، مسائل حقوقی پرشماری مطرح شده‌اند، از جمله اینکه تحریم بر اجرای تعهدات قراردادی و تجاری چه تاثیری دارد.<sup>۲</sup> پر واضح است که تحریم بر اجرای برخی تعهدات قراردادی و تجاری اشخاص و شرکت‌ها تاثیر می‌گذارد و در صورت عدم تعیین تکلیف موضوع در قراردادها با استفاده از قیود تحریم، بی‌تردید می‌تواند موجب مختل شدن اجرای تعهدات قراردادی و تجاری شود. لذا بازیگران عرصه قراردادها از جمله طرف‌های قرارداد و نیز دادگاه‌ها باید از تأثیر چارچوب‌های قانونی شکل گرفته ذیل قوانین تحریمی بر ترتیبات حقوق خصوصی و همچنین از چگونگی تعامل با آن چارچوب‌ها آگاهی داشته باشند. در این زمینه تفکیک بین نظام‌های مختلف حقوقی، داخلی یا خارجی و متعاقباً شناسایی ماهیت تحریم‌های واجد اثر در یک قرارداد اهمیت بسزایی دارد. برای مثال وقتی قراردادی ذیل قوانین یکی از دولت‌های عضو اتحادیه اروپا منعقد شده است، رویکرد دادگاه‌های سایر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در مواجهه با تحریم‌های وضع شده توسط ایالات متحده یا اتحادیه اروپا، از رویکرد دادگاه‌های آن دولت در مواجهه با تحریم‌های داخلی خود در ارتباط با آن قرارداد متفاوت خواهد بود.

<sup>1</sup> Gabriel FELBERMAYR, Aleksandra KIRILAKHA, Constantinos SYROPOULOS, Erdal YALCIN and Yoto YOTOV, "The Global Sanctions Data Base", *European Economic Review*, Elsevier, vol. 129(C); Tamás, SZABADOS., *Economic Sanctions in EU Private International Law*, (Bloomsbury Publishing, 2020).

<sup>2</sup> Beaucillon, C., *Research Handbook on Unilateral and Extraterritorial Sanctions*, Edward Elgar Publishing, 2021.

اجرای تعهدات قراردادی در پرتو تحریم های کشورها و نهادهای ثالث: \_\_\_\_\_ باغبان کندی

در این راستا، قراردادهایی که در پرتو حقوق فرانسه منعقد می شوند نیز می توانند تحت تأثیر تحریم‌هایی قرار گیرند که خارج از فرانسه و توسط دولت‌های ثالث یا سازمان‌های چندجانبه وضع می شوند. در این پژوهش پس از بررسی تأثیر منشأ تحریم بر رویکرد دادگاه‌ها در فرایند رسیدگی به اختلاف قراردادی و نیز ارزیابی قابلیت اعمال تحریم‌ها با منشأ خارجی در اختلافات قراردادی، بررسی می شود که دادگاه‌های فرانسه در این خصوص و در چارچوب رویه قضایی موجود چه رویکردی دارند. البته پیش از بررسی آثار تحریم‌ها بر قراردادها در پرتو رویه قضایی دادگاه‌های فرانسه، لازم است که شرایطی معرفی شوند که ذیل آن دادگاه‌ها می توانند به محدودیت‌های ناشی از نظام‌های تحریمی ترتیب اثر بدهند. در مرحله اول تعیین رابطه میان قانون کشور واضع تحریم و قانون حاکم بر قرارداد اهمیت دارد؛<sup>۳</sup> این رابطه می تواند در چهار حالت مختلف ظاهر شود. اول اینکه تحریم می تواند بخشی از «قانون ماهوی»<sup>۴</sup> قابل اعمال باشد؛ دوم اینکه تحریم می تواند ذیل قانون مقر دادگاه یا داوری<sup>۵</sup> الزام آور باشد؛ سوم اینکه امکان دارد تحریم توسط کشوری وضع شده باشد که قرار است تعهدات قراردادی در آن اجرا شود؛ و چهارم اینکه تحریم در هیچ‌یک از چهار حالت فوق قرار نگیرد، اما همچنان با اختلاف مطروحه ارتباط داشته باشد. اگر تصمیم گیرندگان در یک اختلاف قراردادی «رویکرد مبتنی بر داده‌های پرونده»<sup>۶</sup> را اتخاذ کنند و با تحریم‌ها به عنوان وقایع پیرامونی پرونده برخورد کنند، حالت‌های بعدی مطرح نخواهند شد. با این وجود، اتخاذ رویکرد مبتنی بر قانون نیازمند بررسی‌های بیشتری هستند. نقطه شروع مهم برای انجام «بررسی مبتنی بر هنجارهای قانونی»، شناسایی یک تحریم یکجانبه به عنوان قاعده امری است. تقریباً می توان گفت که ماهیت چنین ممنوعیت‌هایی آمره است؛ حتی با توجه به اهمیت اهداف سیاست خارجی دولت که تحریم‌های مرتبط بر مبنای آن‌ها وضع می شوند، می توان گفت که این

<sup>3</sup> Mercédèh, AZAREDO DA SILVEIRA. Trade Sanctions & Int'l Sales: An Inquiry into International Arbitration and Commercial Litigation. (Wolters Kluwer Law & Business, 2014), 106-126.

<sup>4</sup> Substantive Law

<sup>5</sup> *Lex fori*

<sup>6</sup> Datum

نوع ممنوعیت‌ها نسبت به دیگر قواعد امری جایگاه بالاتری دارند و صرف نظر از قوانین حاکم بر معاملات، قابل اعمال هستند. با این حال، در سطح بین‌المللی اجماعی در خصوص تعریف واحد از قواعد امری از این قسم و متعاقباً پیامدهای این نوع قواعد وجود ندارد.

واضعان تحریم‌ها معمولاً به پیامد آن‌ها برای روابط قراردادی که مورد هدف قرار می‌دهند، توجهی نمی‌کنند؛ لذا تعیین قواعد حقوقی قابل اعمال بر عهده محاکم و دادگاه‌های داوری قرار می‌گیرد تا خود مشخص کنند که آیا آن تحریم‌ها توجیه معتبری برای عدم اجرای قرارداد یا علتی برای بی‌اعتباری قرارداد محسوب می‌شوند یا خیر.

در این راستا، قراردادهایی که در پرتو حقوق فرانسه منعقد می‌شوند نیز می‌توانند تحت تأثیر تحریم‌های وضع شده از سوی کشورها یا نهادهای خارجی قرار گیرند و بررسی رویه قضایی موجود اهمیت بسیار زیادی جهت فهم رویکرد دادگاه‌های فرانسه در مواجهه با چنین تحریم‌هایی دارد. در این راستا سوال اصلی پژوهش حاضر این است که دادگاه فرانسوی در فرایند توصیف، تفسیر و اعمال تعهدات قانونی و قراردادی اصحاب دعوا، چگونه قوانین تحریمی وضع شده توسط کشورها یا نهادهای خارجی را مورد توجه قرار می‌دهند؟ فرضیه پژوهشگران برای پاسخ به این سوال این است که دادگاه‌های فرانسه اعمال قواعد امری مرجح قانون یا همان تحریم‌های وضع شده توسط کشور یا نهاد خارجی را نادیده نمی‌گیرند.

## **۱) تأثیر منشأ تحریم بر رویکرد دادگاه‌ها در فرایند رسیدگی به اختلاف قراردادی**

اعمال تدابیر تحریمی می‌تواند اجرای برخی تعهدات قراردادی را برای یک و یا چند طرف قرارداد دشوار کند. این وضعیت زمانی رخ می‌دهد که تدابیر تحریمی یک‌جانبه و چندجانبه شامل حال یکی از طرف‌های قرارداد شده باشد. در حقوق بین‌الملل خصوصی، تحریم‌های اقتصادی «قواعد امری مرجح»<sup>۷</sup> محسوب می‌شوند. از این رو، این تحریم‌ها استقلال طرف‌های قرارداد را

---

<sup>7</sup> Overriding Mandatory Rules

اجرای تعهدات قراردادی در پرتو تحریم های کشورها و نهادهای ثالث: \_\_\_\_\_ باغبان کندی

دچار اختلال می کنند. برخی معتقدند که می توان هنجارهای حقوق عمومی دولت مقرر دادگاه و نیز «قانون حاکم بر دعوا»<sup>۸</sup> آن دولت را در یک قضیه اعمال کرد؛ این در حالی است که برخی دیگر بر این نظر هستند که اعمال قواعد حقوق عمومی خارجی در صورتی مجاز هستند که یک «ارتباط خاص»<sup>۹</sup> میان قاعده خارجی و قضیه وجود داشته باشد. با این وجود، این «ارتباط خاص» توسط صاحب نظران مختلف به اشکال گوناگون تعریف شده است و در خصوص آن اجماع وجود ندارد.

در این رابطه باید گفت که تدابیر تحریمی شورای امنیت ملل متحد و اتحادیه اروپا بدون شک تعهدی حقوقی برای دولت های عضو اتحادیه اروپا ایجاد می کنند و لذا باید نزد تمامی دادگاه ها داخلی دولت های عضو و نیز داوری های بین المللی به عنوان نظم عمومی فراملی در نظر گرفته شوند. در مواردی که تحریم ها توسط قطعنامه های شورای امنیت ملل متحد، آیین نامه های اتحادیه اروپا یا در چارچوب قانون ماهوی کشوری که قانونش حاکم بر قرارداد است وضع شده اند، تکلیف قابلیت اعمال آن تحریم ها تا حدود زیادی روشن است و معمولاً به عنوان قواعد امری مرجح لازم الاتباع هستند.<sup>۱۰</sup>

---

مقرره رم در مورد انتخاب قانون حاکم بر قراردادهایی اعمال می شود که پس از ۱۷ دسامبر ۲۰۰۹ توسط دولت های عضو اتحادیه اروپا به جز دانمارک منعقد شده اند. ماده ۹ مقرره رم تعریف زیر را از این مفهوم این گونه ارائه می کند: «مقررات آمره مرجح، مقرراتی هستند که رعایت آن ها از سوی یک کشور به منظور حفاظت از منافع عمومی خود همچون سازمان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن ضروری است، تا جایی که آن قواعد بر هر وضعیتی که در دامنه آنها قرار گیرد قابل اعمال هستند، صرف نظر از قانونی که در حالت دیگر ذیل این مقرره بر قرارداد قابل اعمال است.»

<sup>۸</sup> *Lex causa*

<sup>۹</sup> *Special Connection*

<sup>۱۰</sup> دادگاه ها معمولاً به قطعنامه های شورای امنیت ملل متحد به عنوان قواعد امری مرجح می نگرند، چون این قطعنامه ها را تامین کننده نظم عمومی بین المللی می دانند، برای مثال اتاق بازرگانی پاریس به عنوان داور در یک اختلاف قراردادی اعلام کرد که تحریم های اقتصادی مصوب شورای امنیت ملل متحد ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد، بخشی از نظم عمومی فراملی است. رجوع کنید به:

Matthias SCHERER. *The Recognition of Transnational Rules by National Courts - Towards A Uniform International Arbitration Law?* (Juris Publishing, 2005), pp 109-110;

اما زمانی که موضوع مربوط به وجود یک ممنوعیت خارجی (دولت ثالث) است، مسئله ماهیت قانونی آن ممنوعیت، اهمیت زیادی پیدا می‌کند. مواجهه با تدابیر تحریمی یک‌جانبه پیچیدگی‌های بیشتری دارد و قابلیت اعمال تأثیر فراسرزمینی آن‌ها نزد دادگاه‌ها قاعده‌مند نیست. برای نمونه در قضیه سنسور<sup>۱۱</sup> در سال ۱۹۸۲، یک شرکت هلندی با استناد به فورس‌ماژور ناشی از اعمال تحریم‌های ایالات متحده، از ایفای تعهدات قراردادی خود استنکاف کرد؛ دادگاه هلندی قانون هلند را بر قرارداد حاکم دانست و اعلام کرد که تحریم‌های ایالات متحده اصولاً می‌توانند به عنوان دلیلی برای بروز فورس‌ماژور تلقی شوند، اما در آن قضیه از آنجایی که ایالات متحده صلاحیت وضع تحریم‌های فراسرزمینی الزام‌آور علیه شرکت‌های اروپایی نداشت، لذا دادگاه در رأی خود به تدابیر تحریمی ایالات متحده ترتیب اثر نداد.<sup>۱۲</sup> با این حال در آوریل سال ۲۰۲۰ دادگاه هلندی تحریم‌های فراسرزمینی ایالات متحده را فاقد وصف فورس‌ماژور اعلام کرد.<sup>۱۳</sup> لذا

---

حال زمانی که چنین تحریم‌هایی به قانون ملی تبدیل و قانون آن کشور بر قرارداد حاکم شود، دادگاه به چنین تحریم‌هایی حتماً ترتیب اثر می‌دهد. حتی اگر تحریم‌های ملل متحد به قانون ملی یک حوزه صلاحیتی تبدیل نشده باشد، می‌تواند آن را به‌عنوان بخشی از نظم عمومی آن حوزه صلاحیتی اعمال کنند. در این خصوص مراجعه کنید به:

Swiss Federal Tribunal. (2001). Decision on the Swiss Federal Tribunal 4p.172/2000, 28.03.2001, Applying UN Sanctions against Former Yugoslavia. ASA Bulletin, 2001, p 807; علاوه بر این اکثر کارشناسان در این زمینه معتقدند که با آیین‌نامه‌های اجرایی اتحادیه اروپا با موضوع تحریم، به عنوان قواعد امری مرجع قانون داخلی اتحادیه اروپا برخورد می‌شود. شرایط مندرج در مواد ۹(۲) و ۹(۳) مقرر رم، مقرر می‌کنند که محاکم دولت‌های اتحادیه اروپا باید آیین‌نامه‌های تحریمی را اعمال کنند. بر اساس ماده ۹(۲) «هیچ چیز در این مقرر نباید اعمال مقررات امری مرجع دولت مقرر دادگاه را محدود کند». به این معنی که صرف نظر از قانون قابل اعمال بر رابطه قراردادی، یک محکمه داخلی دولت عضو اتحادیه اروپا می‌تواند تحریم‌های اتحادیه اروپا را به عنوان مقررات امری مرجع اعمال کند، حتی اگر آن تحریم‌ها مورد تأیید قانون ماهوی حاکم بر قرارداد نباشند. نگاه کنید به:

Art 28 of the Regulation (EC) No 593/2008 of the European Parliament and of the Council of 17 June 2008 on the law applicable to contractual obligations (Rome I) OJ L 177, 4.7.2008.

<sup>11</sup> *Sensor*

<sup>12</sup> 'Note: Extraterritorial Subsidiary Jurisdiction', (1987) 50 *Law & Contemp Probs* 71, 74; President District Court, The Hague. 17, September 1982, (1982) 22 *International Legal Materials* 66

<sup>13</sup> *Payesh Gostaran Pishro Ltd v Pipe Survey International CV and P&L Pipe Survey*. (Case No C / 10/572099 / HA ZA 19-352, decided Apr. 1, 2020).

اجرای تعهدات قراردادی در پرتو تحریم های کشورها و نهادهای ثالث: \_\_\_\_\_ باغبان کندی

در حوزه چگونگی مواجهه دادگاهها مختلف با تحریم های یکجانبه پیچیدگی های قابل توجهی وجود دارد.

دادگاهها به شرط اینکه ارتباط نزدیکی میان ممنوعیت های خارجی و محتوای پرونده وجود داشته باشد، به آن ممنوعیت ها به عنوان وقایعی که می توانند بر پرونده تأثیرگذار باشند، توجه می کنند؛ این رویکرد مبتنی بر «وقایع پرونده»<sup>۱۴</sup> است. در سوی دیگر این موضوع مطرح می شود که آیا دادگاهها باید به تحریم ها به عنوان یک الزام حقوقی نگریسته و لذا در پرتو «رویکرد قانونی»،<sup>۱۵</sup> قابلیت اعمال آنها را از طریق قواعد تعارض قوانین بررسی کرده و سپس در خصوص ترتیب اثر دادن یا ندادن به آن تحریم ها تصمیم بگیرند یا نه.

اگر به این موضوع به طور کلی از منظر قواعد امری مرجح خارجی نگریسته شود، تفاوتها چندان به نظر نمی رسد.<sup>۱۶</sup> با این حال، اهمیت چنین تفکیکی زمانی مشخص می شود که تحریم های یکجانبه به طور خاص علیه دولت مقرر دادگاه وضع شده اند (یا توسط دولت مقرر دادگاه حمایت نمی شوند) و یا اینکه آن تحریم ها توسط دولت مقرر دادگاه حمایت می شود، اما بر اساس قانون ماهوی حاکم بر دعوا که توسط طرف های قرارداد انتخاب شده است، بی تأثیر تلقی می شوند. اگر دادگاهها مجبور به اعمال مکانیکی ممنوعیت خارجی نباشند و در این رابطه برای انتخاب رویکرد مبتنی بر وقایع پرونده و یا رویکرد قانونی مخیر باشند، می توان شاهد خروجی های مختلفی در آرای صادره بود. در واقع برای تعیین اعتبار یک قرارداد، دسته بندی قواعد امری مرجح یا ممنوعیت های خارجی، به عنوان واقعیت یا قانون، از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ به ویژه زمانی که طرف های قرارداد از طریق انتخاب قانون ماهوی، قانون مقرر دادگاه و یا دیگر ابزارها، در صدد دور زدن قوانین تحریمی بر می آیند. زمانی که ممنوعیت مربوطه پس از انعقاد قرارداد و در حین اجرای قرارداد برقرار می شود، مناسب است که با چنین ممنوعیتی به عنوان واقعیات پیرامونی پرونده

---

<sup>14</sup> Datum

<sup>15</sup> Legal Norm

<sup>16</sup> GA Bermann, 'Mandatory Rules of Law in International Arbitration' in F Ferrari and S Kröll (eds), *Conflict of Laws in International Commercial Arbitration* (JurisNet 2019) 525.

برخورد شود تا اینکه قابلیت اعمال قانونی آن مورد توجه قرار گیرد.<sup>۱۷</sup> البته معلوم نیست که چنین تفکیکی به عنوان یک قاعده جهانی مورد قبول واقع شده باشد؛ با این حال، از لحاظ تئوریک راه حل قانونی بهتر به نظر می‌رسد.<sup>۱۸</sup>

### ۱-۱) قابلیت اعمال تحریم‌ها با منشأ خارجی در اختلافات قراردادی

دادگاه‌ها برای ترتیب اثر دادن به محدودیت‌های ناشی از نظام‌های تحریمی شرایطی را در نظر می‌گیرند. در مرحله اول تعیین رابطه میان قانون کشور واضع تحریم و قانون حاکم بر قرارداد اهمیت دارد.<sup>۱۹</sup> این رابطه می‌تواند در چهار حالت مختلف ظاهر شود. اول اینکه تحریم می‌تواند بخشی از قانون ماهوی<sup>۲۰</sup> قابل اعمال باشد؛ دوم اینکه تحریم می‌تواند ذیل قانون مقرر دادگاه یا داوری<sup>۲۱</sup> الزام‌آور باشد؛ سوم اینکه امکان دارد تحریم توسط کشوری که قرار است تعهدات قراردادی در آن اجرا شود، وضع شده باشد؛ و چهارم اینکه تحریم در هیچ‌یک از چهار حالت فوق قرار نگیرد اما همچنان با اختلاف مطروحه ارتباط داشته باشد. اگر تصمیم‌گیرندگان در یک اختلاف قراردادی رویکرد مبتنی بر واقعیت را اتخاذ کنند و با تحریم‌ها به عنوان وقایع پیرامونی پرونده برخورد کنند، موضوعات متعاقب مطرح نخواهند شد. با این وجود، اتخاذ رویکرد مبتنی بر قانون نیازمند بررسی‌های بیشتری هستند. نقطه شروع مهم برای انجام این نوع بررسی (مبتنی بر قانون)، شناسایی یک تحریم یک‌جانبه به عنوان قاعده امری است. تقریباً می‌توان گفت که ماهیت چنین ممنوعیت‌هایی امری است؛ حتی با توجه به اهمیت اهداف سیاست خارجی دولت که بر مبنای آن اهداف تحریم‌های مرتبط وضع می‌کنند، می‌توان گفت که این نوع ممنوعیت‌ها نسبت به دیگر قواعد امری جایگاه بالاتری دارند و صرف نظر از قوانین حاکم بر معاملات قابل اعمال

<sup>17</sup> C.J.H. BRUNNER, Force Majeure and Hardship under General Contract Principles: Exemption for Nonperformance in International Arbitration. (Kluwer Law International, 2008), p 168; Andrew Barraclough and Jeff Waincymer, "Mandatory Rules of Law in International Commercial Arbitration," (2005) 6 Melbourne Journal of International Law 206, p 217.

<sup>18</sup> AZAREDO, Supran note 3, pp 47-48.

<sup>19</sup> Ibid, 106-126.

<sup>20</sup> Substantive Law

<sup>21</sup> *Lex fori*

اجرای تعهدات قراردادی در پرتو تحریم های کشورها و نهادهای ثالث: \_\_\_\_\_ باغبان کندری

هستند. با این حال، در سطح بین‌المللی اجماعی برای ارائه یک تعریف واحد از قواعد امری از این قسم و متعاقباً پیامدهای این نوع قواعد وجود ندارد.

## ۲) رویکرد دادگاه‌های فرانسه در مورد تحریم با منشا خارجی

اندیشه حقوقی فرانسه قبلاً بر این ایده استوار بود که قواعد مربوط به نظم عمومی خارجی، توسط دادگاه‌های فرانسه قابل اعمال نیستند.<sup>۲۲</sup> این موضوع در رویه قضایی فرانسه قابل مشاهده است. برای مثال در قضیه مطرح شده نزد دادگاه استیناف پاریس، این دادگاه اعلام کرد که هدف از قانون مورد اشاره در قضیه مطروحه، صرفاً حفاظت از واحد پولی روسیه بوده است و به سبب ماهیت سیاسی و کیفری آن، اعمال محدودیت وضع شده از سوی روسیه بر صادرات روبل، توسط دادگاه تجدید نظر پاریس قابل اعمال نیست.<sup>۲۳</sup> با این حال، در قضایایی که پس از آن نزد دادگاه استیناف پاریس مطرح شد، دادگاه بر موضع پیشین خود ایستادگی نکرد.<sup>۲۴</sup> بعدها این نظر غالب شد که قانون حاکم بر دعوا نیز شامل قواعد امری مرجح از جمله هنجارهای حقوق عمومی می‌شود.<sup>۲۵</sup> چرخش رویکرد دادگاه پاریس در این مورد را می‌توان در قالب تصمیماتی که دادگاه پاریس در رابطه با شرکت رویال داچ<sup>۲۶</sup> اتخاذ کرد، تحلیل کرد.<sup>۲۷</sup> در قضایای مربوط به شرکت رویال داچ، «دادگاه نقض رای»<sup>۲۸</sup> فرانسه، حکم دادگاه هلندی را که به عنوان بخشی از قانون حاکم بر روابط میان شرکت و سهام‌دار قابل اعمال بود، پذیرفت؛ بر اساس آن قانون، حتی اگر

<sup>22</sup> Fohrer-Dedeurwaerder, ESTELLE. La prise en considération des normes étrangères, (Prix de l'Université Panthéon-Assas - Paris II. LGDJ, 2008), pp. 253-54.

<sup>23</sup> Cour d'appel de Paris. (1933). Judgement of June 30, 1933. Journal du droit international (JDI), 963-968.

<sup>24</sup> Marie-Laure NIBOYET and Géraud de Geouffre de la PRADELLE, Droit international privé, 5th edn (LGDJ, 2015), pp 142-43.

<sup>25</sup> Sophie WERNERT, "Le gel d'avoirs étrangers: Aspects de droit international public et de droit international privé" (2001) (PhD thesis, Université Paris II Panthéon-Assas,) 90-91; Kinsch, PATRICK. Le fait du Prince étranger. (LGDJ, 1994), p 382.

<sup>26</sup> Royal Dutch

<sup>27</sup> Cour de cassation, Chambre civile 1. (1966). Arrêt du 25 janvier 1966. Bulletin des arrêts de la Cour de cassation, 1(493).

<sup>28</sup> The Cour de cassation

عدم صدور اعلامیه ظرف مدت ضرب‌الاجل مقرر در حکم دادگاه هلندی منجر به محرومیت سهامداران از حقوقشان و متعاقباً انتقال آن حقوق به دولت هلند می‌شد، اعتبارسنجی سهام‌های شرکت هلندی مستلزم صدور اعلامیه از سوی سهامداران بود. در آن قضیه، قراردادهای با اعمال مقررات کنترل ارز که بخشی از قانون قابل اعمال بر دعوا بود، باطل و بی اثر شدند.<sup>۲۹</sup> علاوه بر این، حتی در قضایایی که قواعد امری مرجع خارجی بخشی از قانون قابل اعمال بر دعوا نباشد، رویه قضایی فرانسه از طریق مقررات موجود در قانون ماهوی قراردادی فرانسه به آن‌ها ترتیب اثر می‌دهد.<sup>۳۰</sup> مواد سابق ۱۱۰۸، ۱۱۳۱، و ۱۱۳۳ قانون مدنی فرانسه برای احراز اعتبار یک قرارداد، وجود دلیل قانونی را الزامی اعلام کرده بودند؛ در واقع از آن دلایل به عنوان مبنایی برای ترتیب اثر دادن به ممنوعیت‌های خارجی که اعتبار قرارداد را به چالش می‌کشند، استفاده می‌شد. در این راستا، ماده ۶ قانون مدنی فرانسه هر گونه عدول از اقدامات مربوط به نظم عمومی را در چارچوب قرارداد ممنوع اعلام می‌کند. همچنین وجود یک تحریم اقتصادی خارجی ذیل ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی فرانسه می‌تواند به عنوان مبنایی برای توجیه فورس‌ماژور مورد استفاده قرار گیرد.

در رای ماساردی<sup>۳۱</sup> در سال ۱۹۶۵، دادگاه استیناف پاریس به اقلیت مدیران فرانسوی شرکت فروهاوف<sup>۳۲</sup> که یک شرکت فرانسوی بود اجازه داد تا یک مدیر موقت نصب کند تا وی قرارداد مربوط به فروش چند تریلر را اجرا کند که با یک شرکت فرانسوی دیگر با نام برلیت اتوموبیلز<sup>۳۳</sup> منعقد شده بود؛ در واقع آن قرارداد ناقض تحریم‌های وضع شده از سوی ایالات متحده علیه چین بود، چون وفق آن قرارداد مقرر شده بود که کالاها به چین ارسال شوند.<sup>۳۴</sup> مالکیت اکثریت این

<sup>29</sup> Cour de cassation, Chambre civile 1. (1972). Arrêt du 17 octobre 1972. Bulletin des arrêts de la Cour de cassation, 1(358), p 66; Tribunal de grande instance de Paris. (1985). Judgment of March 8 and 12, 1985. Recueil Dalloz, pp 346 and 500.

<sup>30</sup> Cour d'appel de Paris. (1976). Arrêt du 15 mai 1975 [Court of Appeal of Paris. Judgment of May 15, 1975]. Revue Critique de Droit International Privé, 65(1), 690.

<sup>31</sup> Massardy

<sup>32</sup> Fruehauf

<sup>33</sup> Automobiles Berliet

<sup>34</sup> Cour d'appel de Paris. (1965). Chambre 14, Judgement of May 22, 1965. Gazette du Palais, 1965 II, pp 86-90; English summary (1966) ILM 476; William Laurence CRAIG, "Application of the Trading with the Enemy Act to Foreign Corporations Owned by Americans: Reflections on Fruehauf v Massardy" (1969-70) 83 *Harvard Law Review*, p 579.

اجرای تعهدات قراردادی در پرتو تحریم های کشورها و نهادهای ثالث: \_\_\_\_\_ باغبان کندی

شرکت فرانسوی متعلق به یک گروه متشکل از اشخاص آمریکایی بود که قصد پایبندی به تحریم های ایالات متحده را داشتند؛ از این رو از اجرای تعهدات قراردادی خود در برابر شرکت برلیت امتناع کردند. چون امتناع از اجرای قرارداد منجر به بروز پیامدهای سنگینی می شد، این وضعیت با مخالفت گروهی از اقلیت سهامداران فرانسوی روبه رو شد. شرکت برلیت مشتری بزرگ و همیشگی شرکت فروهاوف بود. همچنین ارسال کالا توسط فروهاوف مهم بود، چون این شرکت می توانست از این طریق به تعهدات قراردادی خود در قبال خریدار چینی عمل کند. عدم اجرای قرارداد عواقب سختی برای شرکت فروهاوف داشت که مهمترین آن اقامه دعوی جبران خسارت توسط برلیت علیه آن شرکت و سپس از دست رفتن فرصت معامله در آینده بود. با توجه به اینکه وزارت خزانه داری ایالات متحده برای انجام این معامله مجوزی صادر نکرده بود، اجرای آن قرارداد ذیل قوانین ایالات متحده غیرقانونی بود و با توجه به شرایط سیاسی انتظار نمی رفت که مجوزی از سوی ایالات متحده برای آن قرارداد صادر شود. مذاکرات با شرکت برلیت نزد دادگاه فرانسوی در مورد خاتمه قرارداد به نتیجه نرسید. از این رو، اقلیت مدیران فرانسوی درخواست کردند تا برای مدیریت امور شرکت برای یک دوره زمانی مشخص یک مدیر موقت نصب شود تا ضمن اجرای قرارداد، مجمع عمومی شرکت نیز برگزار شود. این دستور صادر و دادگاه استیناف پاریس دستور دادگاه بدوی در مورد نصب مدیر موقت را تأیید کرد. دادگاه استیناف پاریس پیامدهای عدم ایفای قرارداد از جمله اینکه شرکت فروهاوف چگونه در معرض دعوی خسارت قرار می گیرد و همچنین آثار آن بر وضعیت مالی، اعتبار اخلاقی و کارکنان آن شرکت را بررسی کرد. دادگاه استیناف اشاره کرد که قاضی باید در خصوص منافع شرکت، برای برخی سهامداران ارجحیت قائل شود، حتی اگر آن سهامداران اکثریت سهام را در اختیار داشته باشند. در نتیجه، در آن قضیه دادگاه تحریم های اقتصادی ایالات متحده را در فرایند رسیدگی و اتخاذ تصمیم اعمال

نکرد. شایان گفتن است که در این قضیه مقامات ایالات متحده هیچ گونه مجازاتی بر شرکت فرانسوی یا مالکان آن به علت عدم پایبندی به تحریم‌های ایالات متحده در نظر نگرفتند.<sup>۳۵</sup> همان گونه که اشاره شد، دادگاه‌های فرانسوی برخی اوقات به قواعد امری مرجح خارجی در سطح قانون ماهوی ترتیب اثر می‌دهند. برای مثال در قضیه بانک مرکزی ایران، هر چند که در آن پرونده مسئله قانون حاکم مطرح نبود، اما نمونه‌ای از چنین وضعیتی محسوب می‌شود. در آن قضیه، در واکنش به گروگانگیری دیپلمات‌های آمریکایی، جیمی کارتر رئیس جمهور آمریکا در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰ را صادر کرد. این فرمان منجر به «انسداد تمامی دارایی‌ها و منافع دارایی‌های دولت ایران، موجودیت‌های تحت کنترل و بانک مرکزی ایران که موضوع صلاحیت ایالات متحده یا در ید یا کنترل اشخاص موضوع صلاحیت ایالات متحده بودند» گردید.<sup>۳۶</sup> بانک مرکزی ایران نزد سیتی بانک پاریس<sup>۳۷</sup> وجوهی داشت؛ سیتی بانک شعبه فرعی سیتی بانک آمریکا<sup>۳۸</sup> بود.<sup>۳۹</sup> بانک مرکزی خواستار استرداد سپرده خود شد که بالغ بر ۵۰ میلیون دلار آمریکا یا معادل آن به فرانک فرانسه بود. سیتی بانک تکلیف خود می‌دانست که این مبلغ را پرداخت کند، اما از انجام این کار امتناع کرد؛ علت امتناع این بود که فرمان اجرایی ایالات متحده بر آن دسته از موجودیت‌های خارجی اعمال می‌شد که توسط اشخاص آمریکایی کنترل می‌شدند. در این قضیه «قاضی تسریع امور» اعلام کرد که سیتی بانک که در فرانسه تأسیس و ثبت شده است، وفق قانون فرانسه ملزم به پایبندی به تعهدات برآمده از قرارداد در مورد سپرده است. این قاضی اعلام کرد که بانک فرانسوی متعهد به اجرای تعهد و استرداد وجه است و هر چند نمی‌توان خدش‌های به اصل وجود تعهد استرداد وجه وارد کرد، اما اجرای این تعهد و سازکارهای مربوط به انجام آن تعهد دشواری‌هایی به همراه دارد که فراتر از صلاحیت و اختیارات «قاضی تسریع امور»

<sup>35</sup> Cedric RYNGAERT, "Extraterritorial Export Controls (Secondary Boycotts)" (2008) 7 *Chinese Journal of International Law*, pp 625-630.

<sup>36</sup> Executive Order No 12170, 14 November 1979, 44 FR 65729.

<sup>37</sup> City Bank Paris

<sup>38</sup> American City Bank

<sup>39</sup> Tribunal de grande instance de Paris. (1979-1980). Judgments of December 21, 1979 and January 21, 1980.

اجرای تعهدات قراردادی در پرتو تحریم های کشورها و نهادهای ثالث: \_\_\_\_\_ باغبان کندی

در ماهیت قضیه است. با این حال، قاضی اعلام و مشخص کرد که مبلغ سپرده به دلار آمریکا و سیتی بانک فرانسه شعبه فرعی سیتی بانک آمریکا بوده است.

برخی بر این نظر هستند که این قضیه به مثابه در نظر گرفته شدن تحریم های ایالات متحده توسط دادگاه فرانسوی بوده است.<sup>۴۰</sup> برخی دیگر استدلال می کنند که دادگاهی که ماهیت قضیه را بررسی می کرد، در صورت عدم انتخاب قانون حاکم توسط طرف های قرارداد، باید حقوق فرانسه را اعمال می نمود و حتی اگر قانون ایالات متحده قابل اعمال بود، می توانست این گونه مقرر کند که نظم عمومی فرانسه را نقض کرده است.<sup>۴۱</sup> به عقیده این نظریه پردازان امکان ترتیب اثر دادن به تحریم های ایالات متحده، به عنوان واقعیت یا داده پیرامونی پرونده در سطح قانون ماهوی قرارداد برای توجیه فورس ماژور وجود نداشته است، چون بانک فرانسوی از تمامی ابزارها برای اجرای درخواست بانک ایرانی محروم نبود.<sup>۴۲</sup>

#### ۲-۱) **قضیه مولر مارسک و ماده (۱) کنوانسیون رم**

لازم به گفتن است که بر خلاف دولت های انگلستان و آلمان، دولت فرانسه در خصوص ماده (۱) کنوانسیون رم اعلام تحفظ نکرده است. از این رو بررسی چگونگی تفسیر این ماده توسط «دادگاه نقض رای» فرانسه قابل توجه است. قضیه مولر مارسک<sup>۴۳</sup> در مورد اعمال این ماده در

<sup>40</sup> Sophie Wernert, 'Le gel d'avoirs étrangers: Aspects de droit international public et de droit international privé' (PhD thesis, Université Paris II Panthéon-Assas, 2001) 90-91; PATRICK, Supra note 24, p 92.

<sup>41</sup> François GIANVITI, "Le blocage des avoirs officiels iraniens par les Etats-Unis (executive order du 14 novembre 1979)" (1980) 69 *Revue critique de droit international privé* 279, pp 296-301.

<sup>42</sup> Ibid 302-03.

<sup>43</sup> Cour de cassation, Chambre commerciale, financière et économique. (2010). Arrêt n° 330 du 16 mars 2010 (08-21.511); Cyril NOURISSAT, "Lois de police étrangères devant le juge français du contrat international: une première sous l'empire de la Convention de Rome et peut-être pas une dernière sous l'empire du règlement 'Rome I'" (2010) 5 *Revue Lamy droit des affaires*, p 63; Louis D'AVOUT and Dominique BUREAU, "Lois de police étrangères devant le juge français du contrat international" (2010) 84 *La Semaine Juridique - Entreprise et Affaires*, pp 18-23; Pascale DEUMIER, Jean-Baptiste RACINE, Édouard TREPPOZ, "La loi de police étrangère: une possibilité que le juge a l'obligation d'envisager" (2010) *Revue des contrats*, p 1385; Aurore MARCHAND, "Note - Cass com, 16 mars 2010, no 08-21.511"

خصوص ممنوعیت واردات به علت وجود ملاحظاتی در حوزه بهداشت عمومی بود. با این حال دادگاه در آن قضیه محدودیت‌های تجاری مربوط به سیاست خارجی فرانسه را مد نظر قرار نداد. در این قضیه شرکت برادران فررز<sup>۴۴</sup> که فروشنده گوشت یخزده بود، شرکت حمل و نقل کالای فاوودر<sup>۴۵</sup> را متهم به سازماندهی انتقال کالاها از فرانسه به غنا کرده بود. شرکت حمل و نقل کالا، انتقال کالاها به غنا را به شرکت مولر مارسک دانمارکی سپرده بود. با این حال کشور غنا در حین بحران «جنون گاوی»، تحریم جامعی علیه واردات گوشت با منشأ فرانسوی وضع کرده بود. شرکت حمل و نقل دانمارکی محصولات فساد پذیر را به فررز بازگرداند و آنها را به سرعت فروخت. فروشنده به خاطر عدم تحویل کالاها، مدعی پرداخت خسارت از شرکت حمل و نقل شد. شرکت مولر مارسک در استدلالات خود ذیل مواد ۱۱۳۱ و ۱۱۳۳ قانون مدنی فرانسه به استناد غیرقانونی بودن سبب، مدعی شد که قرارداد حمل و نقل بی‌اعتبار است. با این حال، این واقعیت که تصویب تحریم جامع توسط غنا و نیز عقد قرارداد حمل و نقل پیش از انعقاد قراردادها میان فررز و فاوودر صورت گرفته،<sup>۴۶</sup> می‌توانست منجر به تضعیف موضع مولر مارسک شود، چون اصولاً یک شرکت حرفه‌ای باید از وجود تحریم‌های جامع آگاه بوده و از ورود به چنین قراردادی امتناع می‌کرد.<sup>۴۷</sup>

دادگاه استیناف شهر انگرز مقرر کرد که تحریم موجود در آن قضیه، تعهد الزام‌آوری برای شرکت حمل و نقل کالا و شرکت مولر مارسک ایجاد نکرده بود و متعاقباً مسئولیتی متوجه آنها

---

(2011) *Journal du droit international*, vol.138, p 99; Philippe DELEBECQUE, "Transport maritime. Loi de police étrangère. Qualification. Effet (oui)" (2010) *Revue trimestrielle de droit commercial et de droit économique*, p 457; Jean-Pierre MATTOU, "Opérations internationales" in Jean-Pierre Mattout and André Prüm, 'Chronique – Droit bancaire, Janvier 2010 – juin 2010: Clair-obscur' (2010) 195 *Droit & Patrimoine*, pp 100-109; Sylvain BOLLÉE, "Conflits des lois en matière de contrats" in Louis d'Avout and Sylvain Bollée, 'Panorama – Droit du commerce international (septembre 2009 – août 2010)' (2010) *Receuil Dalloz*, p 2323-29; Fabienne JAULT-SESEKE, "Panorama – Droit interne privé (février 2010–février 2011)" (2011) *Receuil Dalloz*, pp 1374-1375.

<sup>44</sup> Société Viol Frères

<sup>45</sup> Société Fauveder

<sup>46</sup> Ibid.

<sup>47</sup> Sandrine Sana-Chaille de Nere, 'Transport maritime et lois de police étrangères' (2010) *Droit maritime français* 367, 368

اجرای تعهدات قراردادی در پرتو تحریم های کشورها و نهادهای ثالث: \_\_\_\_\_ باغبان کندی

نمی‌شد. قانون قابل اعمال در این قضیه قانون فرانسه بود و لذا هدف قرارداد حمل و نقل ذیل مواد ۱۱۳۳ قانون مدنی، غیرقانونی تلقی نمی‌شد. لازم به گفتن است که دادگاه استیناف بدون استناد به کنوانسیون رم به این جمع‌بندی رسید.

سپس دیوان عالی رای دادگاه استیناف را ملغی کرد، چون دادگاه ملزم بود تاثیرات بالقوه تحریم جامع را ذیل ماده ۷ کنوانسیون رم بررسی کند. بر اساس ماده (۱)۷ کنوانسیون رم، دادگاه می‌تواند به قواعد امری قانون کشور ثالث که «ارتباط نزدیکی» با وضعیت مربوطه دارد ترتیب اثر دهد، اگر و تا جایی که ذیل قانون آن کشور و صرف نظر از قانون قابل اعمال بر قرارداد، اعمال این قواعد الزامی باشد. حتی اگر قانون حاکم قانون فرانسه بود، دادگاه موظف به امکان‌سنجی اعمال کنوانسیون رم و به طور خاص ماده ۷ آن و نیز ترتیب اثر دادن به قواعد امری مرجح خارجی بود. حکم دادگاه عالی دادگاه‌های پایین‌تر را موظف به اعمال قواعد امری مرجح از جمله تحریم جامع وضع شده از سوی غنا نمی‌کرد، اما حداقل این حکم باید به عنوان یک الزام برای دادگاه تفسیر می‌شد که بر اساس آن قابل اعمال بودن قواعد امری مرجح خارجی را ذیل ماده (۱)۷ کنوانسیون رم بررسی می‌کرد.<sup>۴۸</sup> هر چند که منافع ناشی از وضع تحریم جامع در راستای منافع فرانسه نبود، اما دادگاه عالی دادگاه پایین را موظف به انجام بررسی نمود.<sup>۴۹</sup> دادگاه در مورد این مسئله موضعی اتخاذ نکرد که آیا ماده ۷ کنوانسیون رم به اعمال یا بررسی قواعد امری مرجح اشاره می‌کند یا نه؛ دادگاه با این کار این امکان را فراهم کرد که در آینده بتواند به هر دو رویکرد متوسل شود.<sup>۵۰</sup> دادگاه همچنین موضعی در مورد این مسئله اتخاذ نکرد که دادگاه فرانسوی چگونه باید به قاعده امری خارجی ترتیب اثر دهد؟

<sup>48</sup> Ibid 372-73.

<sup>49</sup>Philippe DELEBECQUE, "L'accueil des lois de police étrangères" (2010) *Revue de droit des transports*, pp15-16; Sana-Chaille de Nere, S, 'Transport maritime et lois de police étrangères' (2010) 62 *Droit maritime français* 372.

<sup>50</sup> DEUMIER, *Supra* note 1, p 1389; MATTOU *Supra* note 36, pp. 100-110.

پس از تصمیم دادگاه عالی این قضیه به دادگاه استیناف پویتیروز<sup>۵۱</sup> ارجاع شد. این دادگاه اعلام کرد که باید به تحریم جامع غنا ترتیب اثر داد.<sup>۵۲</sup> شایان ذکر است که ممنوعیت واردات گوشت از فرانسه به مثابه قواعد امری مرجحی جهت حفاظت از بهداشت عمومی در برابر بیماری جنون گاوی بود. این تحریم جامع ارتباط نزدیکی با آن وضعیت داشت، چون دریافت کنندگان کالا در غنا قرار داشتند. صادرات گوشت از فرانسه به غنا بر اثر آن تحریم غیرممکن شده بود. از این رو دادگاه استیناف نتیجه‌گیری کرد که در مورد تحریم جامع باید به قواعد امری مرجح قانون غنا ترتیب اثر داده شود؛ پیامد چنین رویکردی باطل و بلااثر شدن قرارداد حمل و نقل به سبب غیرممکن بودن هدف قرار داد بود. نهایتاً دادگاه اعلام کرد که شرکت برادران فررز نمی‌تواند مولر مارسک را مسئول استنکاف از اجرای قرارداد حمل و نقل بداند.

## ۲-۲) قضیه گیتی<sup>۵۳</sup> و ماده ۹(۳) مقررہ رم

علاوه بر ماده ۷(۱)، ماده ۹(۳) مقررہ رم توسط دادگاه‌های فرانسوی در زمینه تحریم‌های اقتصادی تفسیر شده است. در قضیه گیتی<sup>۵۴</sup> دادگاه استیناف پاریس به ممنوعیت صادرات اقلام به ایران که از سوی ایالات متحده ذیل ماده ۲۰۴-۵۶۰ کد مقررات فدرال<sup>۵۵</sup> در خصوص یک قرارداد «توزیع» لازم‌الاجرا میان شعبه فرعی فرانسوی یک شرکت آمریکایی و شرکت ایرانی وضع شده بود، ترتیب اثر نداد. شرکت فرانسوی متعهد شده بود که ادوات آزمایش ایدز را برای شرکت ایرانی تامین کند. با این حال، شرکت بایو-راد<sup>۵۶</sup> تحویل اقلام به شرکت توزیع‌کننده گیتی تجهیز طب<sup>۵۷</sup> را تعلیق کرده بود، چون شرکت بایو-راد یک شعبه فرعی از شرکت آمریکایی بایو-

<sup>51</sup> Poitiers

<sup>52</sup> Cour d'appel de Poitiers. (2011). Judgement of November 29, 2011, No 10/03500.

<sup>53</sup> Giti

<sup>54</sup> Cour d'appel de Paris. (2015). Arrêt du 25 février 2015 [Court decision of February 25, 2015, No. 12/23757]

<sup>55</sup> 31 CFR Part 560 – Iranian Transactions and Sanctions Regulations.

<sup>56</sup> Bio-Rad SNC

<sup>57</sup> Giti Tajhiz Teb Co Ltd

اجرای تعهدات قراردادی در پرتو تحریم های کشورها و نهادهای ثالث: \_\_\_\_\_ باغبان کندی

راد<sup>۵۸</sup> بود و لذا در دامنه تحریم جامع آمریکا علیه ایران قرار می گرفت. در این مورد تحریم های ایالات متحده بسیار گسترده بود؛ این تحریم ها صادرات، صادرات مجدد، فروش یا تامین، مستقیم یا غیرمستقیم، هر گونه کالا، فناوری، خدمات به ایران یا دولت ایران را از ایالات متحده یا توسط شخص آمریکایی از هر محلی ممنوع می کرد؛<sup>۵۹</sup> همچنین «شخص آمریکایی» شامل شعبات خارجی موجودیت های سازمان یافته ذیل قانون ایالات متحده می شد.<sup>۶۰</sup> در نگاه اول چنین استدلال می شد که تحریم جامع ایالات متحده بر شرکت بایو-راد قابل اعمال نیست، چون این شرکت شعبه اصلی نبوده و تنها یک شعبه فرعی از شرکت مادر آمریکایی بوده است. با این وجود، به سبب تفسیر موسع توسط اوفک، حتی شعبات فرعی هم در صورت عدم پابندی به تحریم ها در معرض مجازات بودند.<sup>۶۱</sup>

شرکت گیتی به دلیل نقض قرارداد علیه شرکت فرانسوی اقامه دعوی کرد. در آن قضیه محل ایفای قرارداد ایران و قانون فرانسه بر قرارداد حاکم بود. دادگاه اشاره کرد که ذیل ماده ۹ مقرر رم، به هیچ قانون خارجی ترتیب اثر داده نمی شود، جز زمانی که ایفای قرارداد از منظر قانون دولت محل ایفای قرارداد غیرقانونی باشد. از این رو به قانون ایالات متحده که متفاوت از قوانین فرانسه (قانون مقرر دادگاه) یا قوانین ایران (محل ایفای قرارداد) است ترتیب اثر داده نمی شود و تنها قوانین قابل اعمال ذیل ماده ۹ قانون ایران و فرانسه است؛ در نتیجه، شرکت فرانسوی مسئول نقض قرارداد است و باید قرارداد را به رغم وجود تحریم های جامع ایالات متحده اجرا می کرد. امتناع دادگاه از اعمال قانون ایالات متحده در فرایند رسیدگی بدون شک مزایایی دارد. مسئولیت پیامدهای مدنی تحریم های جامع وضع شده توسط دولت ثالث (قانونی که بر قرارداد قابل اعمال نیست) به طرفی که قصد ایفای قرارداد دارد و کشوری که موضوع تحریم های

<sup>58</sup> Bio-Rad INC

<sup>59</sup> 31 CFR § 560.204 Prohibited exportation, re-exportation, sale, or supply of goods, technology, or services to Iran.

<sup>60</sup> 31 CFR 560.314 – United States person; US person.

<sup>61</sup> Matteo WINKLER and Arnaud LACOMBE, “Mesures à vocation extraterritoriale et lois de police: un revers à l'hégémonie juridique outre-Atlantique?” (2015) 21 Recueil Dalloz, pp 1260, 1262–63.

اقتصادی است، منتقل نمی‌شود، بلکه به عهده شرکتهای است که روابط بازرگانی را قطع کرده است.<sup>۶۲</sup>

با این حال اگر اتحادیه اروپا تحریمی‌هایی اقتصادی متناظر با تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران وضع می‌کرد، این امکان وجود داشت که ارزیابی متفاوتی در این مورد انجام شود، چون چنین تحریم‌هایی می‌توانست یا باید توسط دادگاه‌ها فرانسه به عنوان بخشی از قانون قابل اعمال بر دادگاه اعمال می‌شدند.<sup>۶۳</sup> به هر حال بر اساس رویکرد دادگاه استیناف پاریس، امکان ترتیب اثر دادن به تحریم‌ها وجود ندارد، به جز آن‌هایی که دولت مقرر دادگاه و دولت محل ایفای قرارداد (و احتمالاً قانون حاکم بر دعوا) وضع می‌کنند. تاکید شده است که طرفی که در معرض تهدید مجازات‌های ناشی از عدم پایبندی به تحریم است باید مراقبت لازم را برای به کارگیری شروط مربوطه در قرارداد اعمال کند تا بتواند در آینده در صورت مداخله تحریم‌های اقتصادی با مفاد قرارداد از ایفای تعهدات مربوطه خودداری نماید.<sup>۶۴</sup> باید گفت که در قلمرو تحریم‌های ایالات متحده، این موضوع را می‌توان در شروط پایبندی به تحریم‌های اوفک ملاحظه کرد؛ با این حال، قرار دادن چنین شرطی در قرارداد، یقیناً نیازمند پذیرش آن توسط طرف دیگر است.

هرچند تصمیم اخیر دادگاه از لحاظ حقوقی کاملاً توجیه پذیر است، با این حال برخی نویسندگان عملیاتی بودن تصمیم دادگاه را در قضیه گیتی زیر سوال بردند.<sup>۶۵</sup> متعاقباً وقتی قواعد امری مرجح بر روابط قراردادی تأثیر دارد، نمی‌توان از آن‌ها غفلت کرد.<sup>۶۶</sup> برای مثال، اگر این

---

<sup>62</sup> Louis D'AVOUT, "Opérations – L'extraterritorialité contrariée par la théorie des lois de police?" in Louis d'Avout and Sylvain Bollée (eds), 'Panorama – Droit du commerce international, août 2014– juillet 2015' (2015) Recueil Dalloz 2031.

<sup>63</sup> Yann BECKERS and Nicolas DEMIGNEUX, "Les mesures d'embargo américaines édictées par l'OFAC sont-elles des lois de police étrangère applicables en France?" (2015) 141 Actes pratiques et ingénierie sociétaire, p 1.

<sup>64</sup> Ibid

<sup>65</sup> WINKLER, *Supra* note 48, pp1260, 1262–63; Peter MANKOWSKI, "Drittstaatliche Embargonormen, Außenpolitik im IPR, Berücksichtigung von Fakten statt Normen: Art. 9 Abs. 3 Rom I-VO im praktischen Fall (zu Cour d'appel de Paris, 25.2.2015 – 12/23757)" (2016) 36 *Rabels Zeitschrift für ausländisches und internationales Privatrecht*, pp 485-490.

<sup>66</sup> Sandrine Sana-Chaille de Nere, 'Transport maritime et lois de police étrangères' (2010) *Droit maritime français* 367, 368.

اجرای تعهدات قراردادی در پرتو تحریم های کشورها و نهادهای ثالث: \_\_\_\_\_ باغبان کندری

مسئله مانع ایفای تعهدات یک طرف قرارداد شود، آثار آن باید شناسایی شود. این رای اساساً وجود و اجبار بالقوه ناشی از تحریم های اقتصادی مصوب توسط دولت یا نهاد خارجی را رد می کند.

### نتیجه گیری

بررسی رویه قضایی فرانسه نشان می دهد که رویکرد دادگاه های فرانسه برای ترتیب اثر دادن به قواعد امری مرجح خارجی از جمله تحریم هایی که توسط کشورها و نهادهای خارجی وضع می شوند و حقوق و تعهدات طرف های یک قرارداد را متاثر می کند، ثابت نبوده است. هرچند دادگاه های فرانسه گاهی اوقات به رژیم های تحریم بین المللی پایبند هستند، اما همواره و به ویژه در مواردی که شرایط پرونده به منافع عمومی یا ارزش های اساسی جامعه فرانسه مربوط می شود، به قوانین ماهوی خود ارجحیت می دهند و به ممنوعیت های خارجی در فرایند رسیدگی به پرونده ترتیب اثر نمی دهند. در عمل، دادگاه های فرانسه برای تعیین اینکه آیا تحریم های خارجی یک قاعده امری مرجح است یا نه، رویکرد مورد به مورد اتخاذ می کنند. دادگاه ها عوامل مختلفی مانند ماهیت و هدف تحریم ها، تاثیر آن ها بر قرارداد، آگاهی طرفین از تحریم ها در زمان عقد قرارداد و در دسترس بودن ابزار جایگزین برای اجرای آن را در نظر می گیرند. با این حال، دادگاه های فرانسه به رعایت عدالت بین المللی و اجتناب از صدور احکام متضاد بین حوزه های قضایی مختلف اهمیت می دهند. بنابراین ممکن است در برخی شرایط قانون ماهوی فرانسه را در فرایند رسیدگی به پرونده ها و به ویژه در مواردی که انجام این کار با قوانین یا سیاست عمومی کشور دیگر در تضاد باشد، با ظرافت بیشتری اعمال نمایند. همان طور که این پژوهش ارزیابی شد دادگاه ها فرانسه اعمال قواعد امری مرجح قانون حاکم بر دعوا را لزوماً نادیده نمی گیرند و نمونه هایی در رویه قضایی می توان یافت که در آن ها احتمال اینکه قواعد امری مرجح خارجی در سطح قانون ماهوی فرانسه توسط دادگاه ها مد نظر قرار گیرد، وجود دارد. در این خصوص قضیه گیتی تنها قضیه ای است که در آن ماده ۹ مقررہ رم توسط دادگاه فرانسوی تفسیر شده است؛ به طور مشخص مقرر شده است که امکان اعمال و ترتیب اثر دادن به قواعد آمره مرجح دولت ها به جز آن هایی که در

ماده ۹ آمده است، وجود ندارد. این نظر از لحاظ حقوقی صحیح است، اما واقعیت این است که مقامات دولت واضح تحریم اقتصادی همچون ایالات متحده، معمولاً راهی برای عملی کردن آن تحریم‌ها از طریق اعمال مجازات‌ها پیدا می‌کنند. هرچند قواعد امری مرجح به جز آن‌هایی که مربوط به محل ایفای تعهد هستند، ذیل مقررہ رم مستثنی شده‌اند، اما آن قواعد در قالب برخی مقررات ماهوی قانون حاکم بر قرارداد از جمله مقرراتی که مربوط به غیرممکن بودن ایفای تعهد و یا نقض «اخلاق حسنه»<sup>۶۷</sup> هستند، اعمال می‌شوند.<sup>۶۸</sup> در مجموع، دادگاه‌های فرانسه برای ترتیب اثر دادن به قواعد امری مرجح خارجی در قضایای مربوط به اختلافات قراردادی، تلاش می‌کنند که تعادل ظریفی میان رعایت قوانین بین‌المللی و حمایت از منافع ملی فرانسه برقرار کنند. همان‌طور که اقتصاد جهانی به طور فزاینده‌ای به هم پیوسته می‌شود، این احتمال وجود دارد که این موضوع همچنان در مناقشات تجاری و سرمایه‌گذاری بین‌المللی مطرح شود و مستلزم گفت‌وگو و همکاری مداوم بین سیستم‌های حقوقی و حوزه‌های قضایی مختلف باشد.

---

<sup>67</sup> Good Morals

<sup>68</sup> Louis D'AVOUT, "Le sort des règles impératives dans le règlement Rome I" (2008) 184 *Receuil Dalloz*, pp 2165-2168.